

گفتگو با استاد غلام حسین امیرخانی



● با تشکر از جنابعالی که وقتان را در اختیار ما گذاشتید خواهیم شد است به عنوان اولین سؤال راجع به تشکیل انجمن خوشنویسان ایران توضیح بفرماید.

در یک فاصله زمانی که از جنگ دوم جهانی گذشت و ما دچار بلایای ناخوشه است این اتفاق مصیبت بار بودیم و ایران با وجود بیطرفی و بیامتنه حسابست منطقه ای برکنار نماند و صدمه دید و عوض شدن حکومت باعث نابسامانی و گسیخته شدن شیرازه کارها شد و از مسائلی که قبلاً به طور حوزهای وجود داشت بریده شد. مسائلی مثل آموزش خوشنویسی و افراد مانند عماد الکتاب که استادان طراز اول معاصر مانند استاد حسن زرین خط، استاد حسین میرخانی، استاد ابراهیم بوذری، آقایان استادان گرامی علی اکبر کاوه و استاد حسن میرخانی در محضر ایشان کسب فیض می کردند استاد حسن و استاد حسین بطور غیرستیم شاگرد مکتب عماد الکتاب بودند زیرا فرزندان مرحوم برغانی بودند که ایشان از شاگردان کلمه بود. اما بعداً این دو نیز تحت تأثیر عماد الکتاب قرار گرفتند. این فعالیت

هر چند کم ولی با ارزش بطور حوزهای و شخصی وجود داشت و در این سالها نابسامانی و فحطی از همه بابت موجود بود. افرادی چون مرحوم دکتر بیانی به فکر انقلاب برای احیای خط و خوشنویسی فکری بکنند و این حالت را به شکلی که با وضع دنیای آن روز سازگار بود مبروسامان بدهند. بنابراین در سال ۱۳۳۰ آمدند و هسته مرکزی و اولیه (انجمن خوشنویسان ایران) را با حضور استاد حسین میرخانی - عملی اکبر کاوه - ابراهیم بوذری تشکیل دادند و بعداً جواد شریفی نیز به آنها پیوست. این انجمن با نام کلاسهای خوشنویسی اداره هنرهای زیبا در دل وزارت آموزش و پرورش و با تعداد معدودی از علاقه مندان شروع به کار کرد. تا گفته نماند که مرحوم دکتر بیانی ۴ جلد کتاب در زمینه خوشنویسی تألیف و منتشر کرده اند، بعد از فوت ایشان مسئولیت انجمن با خسر و زمینی بود که تا قبل از انقلاب دارای این مسئولیت بودند در سال ۱۳۴۵ به نام انجمن خوشنویسان ایران مرحله جدیدی شروع شد و با مشارکت عده ای که به استادان قدیم پیوستند کار انجمن را وسعت بخشیدند از سال ۴۵ تا ۵۷ که نقطه

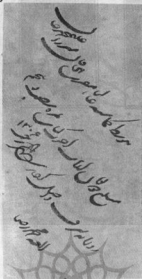
عطفی در انجمن بود شعبه هایی در بعضی شهرستانها بوجود آمد که تا قبل از انقلاب ۱۱ شعبه بود بعد از انقلاب اسلامی جامعه نسبت به ارزشهای خود نگاه مجددی کرد و هنرهای سنتی و اصیل مثل خوشنویسی و موسیقی با عنایت روبرو شد. خوشخانه خط و خوشنویسی دارای قاعده و اسلوب مشخص و انجمن نیز دارای سازمان و اساسنامه واضحی بود و انجمن توانست به نحو چشمگیری استقبال مردم را پاسخگو باشد از سال ۵۸ به طور دائم التزاید به موج علاقه مندان افزوده شد و بوسیله اساتید تربیت شده در سالهای قبل کلاسهای انجمن بر پا گردید بطوری که در سالهای بعد در تهران و شهرستانها هنرجویان بیشتر و بیشتری به این انجمن پیوستند که در حال حاضر به ۱۹ هزار نفر می رسد در حالی که این رقم تا قبل از انقلاب به ۵۰۰ نفر می رسد و این تحول چشمگیر است.

● این افزایش کمی به کیسیت لطمه وارد نکرده است؟

● ما گسترش و وسع و عمیق انجمن این گسترش



استاد حسن میرخانانی در سال ۱۳۴۰



سخن استاد استاد محمد رضا گلپور



اعضای انجمن موسیقی ایران در سال ۱۳۶۶

فرهنگی بین اعضا و ایجاد فرصت مناسب برای تبادل آخرین اطلاعات فنی و هنری ویافتن راهها و شیوه‌های جدید آموزش خوشنویسی می‌باشد. انجمن سعی کرده است در سالهای اخیر با تشکیل چنین مجامعی به این نیاز عمومی جامعه خوشنویسی پاسخ مثبت داده و با تشکیل مجامع عمومی اعضاء طرحهای جدید در کار خوشنویسی را وسعت بخشیده و به تشکیلات و سازماندهی این مرکز بپردازد. با توجه به مشکلات موجود در شرایط کنونی و مطابقت با گنگره‌های مشابه میشود گنگره خوشنویسان در ساری را بسیار موفق توصیف کرد این نکته را نه تنها ما بلکه دیگران تصدیق کرده‌اند.

اشاره به این نکته بسیار ضروری است که هزینه بر پائی گنگره از بودجه انجمن بوده و در نهایت صرفه جویی و به دور از بریز و بیاشهای معمول و با حداقل هزینه به انجام رسیده و این خود گواه بر صداقت و خلوص نیت دست اندرکاران بر پائی گنگره است. در اینجا لازم است از مساعدهای معنوی مقامات مسئول نیز تشکر کنم.

وجود آورد و به ضرورت اینکه کارنامه بهترین ارائه بدهیم گنگره دوم تدویرک دیده شد. این گنگره دقیقاً مصادف با یکصدمین سال مرگ استاد بزرگ کلهبر بود و به همین مناسبت نامگذاری شد.

این گنگره در شهریور گذشته در ساری بر پا شد و یادنامه‌ای به یاد کلهبر در رابطه با سبک و شیوه ایشان منتشر و توزیع شد در مدت بر پائی گنگره از فرصت استفاده شد و یادنامه‌های روزانه‌ای را ترتیب دادیم که یادآوری کوچکی بود از زحمات این استاد. روز اول بنام استاد سیدحسن فخرانی که مهم و نقش مهمی در پایه گذاری انجمن داشتند، روز دوم به نام استاد حسن میرخانانی نامگذاری شد، روز سوم به نام استاد علی اکبر کاوه و گرانباشد ایشان، روز بعد با نام مرحوم ایراهیم بوذری و یادآوری مقام هنری ایشان، روز پنجم بنام استاد مرحوم احمد نجفی زنجانی برگزار شد ضمناً همزمان با برگزاری گنگره لوحه یادبودی برای مزار استاد کلهبر تهیه و در آرامگاه ایشان نصب شد. به هرحال یکی از اهداف تشکیل و گردهمائی‌ها و گنگره‌های مورد نظر ایجاد همبستگی و پیوند عمیق

خنده‌ای به کیفیت وارد نکرد و مانع از دقت در کار نشد و انجمن متمهه به حفظ و انتقال میراث فرهنگی به نسل حال و آینده خواهد بود.

• در تابستان گذشته دومین گنگره انجمن خوشنویسان در ساری برگزار شد هدف از بر پائی چنین گردهمائی‌هایی چیست؟

اولین گنگره در اردوی رامسر در سال ۱۳۶۶ مخصوصاً با همت و ابتکار مدیر اجرایی انجمن آقای عباس بنی‌عاصریان تحقق پیدا کرد و ۸۰۰ شرکت کننده داشت و مدت ۴ روز طول کشید و دست آوردهای بالارزشی داشتیم با این گنگره توانستیم آثار خوشنویسان شرکت کننده را بتوان یادنامه گنگره به چاپ برسانیم که هم اکنون آماده پخش است. این گنگره به پیام نخست وزیر معنوی حسن علاقه و پیام وزیر ارشاد و با شرکت مدیران کل اساتینها و همپنلر مشارکت ۵۰ نفر از اساتید دانشگاه که صاحب نظر و ذی‌علاقه بودند شروع شد و با دستاوردهای خوبی به پایان رسید. آن گنگره نیاز روز افزون انجمن را در رسیدن به اهداف مورد نظر



اساد ابراهیم بوداری



حاج نجم احمد جمعی رحمانی



اساد سیدحسین موهجانی



اساد علی اکبر کازره



اساد حسن موهجانی

• آینده انجمن را چگونه می بینید و چه اهدافی را دنبال می کنید؟

برای آینده کوشش شده است رسالت را به جز جسد آموزش خط و خوشنویسی از جهت خدمت به ایران و فرهنگ و معرفی آثار ارزشمند ادبیات فرهنگی ایران کتابخانه‌ای را به خط خوش به چاپ برساند. دومین هدف که می‌تواند برای شناساندن هنر خط و خوشنویسی ایران مفید باشد ارسال کتب و نشریات به خارج از ایران، کشورهای اسلامی و اروپا می‌باشد. مسئله دیگر در کنار انتشارات بر پائی نمایشگاه‌های داخلی و خارجی است.

• چه راه‌هایی برای توسعه و امروزی کردن خوشنویسی پیشنهاد می‌کند؟

در مرحله اول حفظ میراث فرهنگ گذشته به صورت غبی و عمیق که بتواند تداوم پیدا کند و هرمنده خوشنویسی، دقت و وقت خود را بگذارد تا به حد کمال برسد این عمده‌ترین رسالت انجمن است از این مرحله به بعد مراحل دیگر قابل قبول و امکان انجام دارد. بطور مثال تلفیق خط و خوشنویسی با

هنرهای جنبی خودش که در این باب انجمن سعی کرده از این عناصر تقویت کننده توأم و همزمان استفاده کند که در این جهت باید بیشتر کوشش کنیم. خوشبختانه آئین نامه جدید انجمن درک شرایط کرده است امیدوارم با ارائه زمینه‌های اجرایی چنین قدمی برداریم. ارتباط خوشنویسی با نقلی خط که یکی دیگر از زمینه‌هایی است که توانسته خود را نشان بدهد و از مرحوم دافی شروع شد و دیگران ادامه می‌دهند. این مسئله روزنه‌ای است که می‌تواند با سنجگی نیازهای جدیدتر باشد. در زمینه سنتی هم می‌شود چنین فعالیت‌هایی کرد و مقدماتی بوجود آورد و علاوه بر نیاز فرهنگی به جنبه‌های دیگر نیز بپردازد. رنگ، جنس، حجم، کار با کاشی، گزین گزین، سفالینه و مجسمه‌سازی زمینه‌های دیگر کار است. امروزه جای خوشنویسی در معماری ما خالی است. یکی از مشکلات عمده ما کمبود فضای آموزشی است. در اینجا لازم است از موزه‌ها و کتابخانه‌ها و کسانی که امکاناتی را در اختیار ما قرار می‌دهند تشکر کنیم. اما این کافی نیست و مستلزم این است

که مسئولین، فضائی را در اختیار ما قرار دهند که با نوع فعالیت انجمن هماهنگ باشد.

• پوستره‌های گزاشده برای دومین کنگره خوشنویسان، خوشنویسی صرف و فاقد ارتباط ضمنی با برنامه‌های کنگره بود در این مورد چه می‌فرمائید؟

این نکته قابل قبول است که پوستره‌های گزاشده از مفاهیم گرافیکی دور و آن چیز مورد قبول نبود و به معنای امروزی پوستر نبود اما تعدادی پوستر هم کار کرده بودند که مورد قبول انجمن واقع نشد.

• راجع به کار اساتید خوشنویس قرون گذشته و معیارهای سنجش و زیبایی کار آنها توضیح بفرمائید.

در ارتباط با تفاوت کار اساتید گذشته این نکته قابل ذکر است که آثار را بسایند در شرایط زمانی-مکانی بسنجیم. واقعیت این است که با آن عیار کسی کار نکرده است. در مورد سبک کار آنها نباید گفت تفاوت در طرح اصلی و تناسب و زیبایی شناسی در آن زمان به حد اعتدال پذیرفته شده



سه سالگی از استاد میرعماد الحسنی عروسی

سازد ما فکر می‌کنیم لازم است وزارتخانه با در اختیار گذاشتن تسهیلات بیشتر اجازه بالا رفتن تیراژ را هم بدهد.

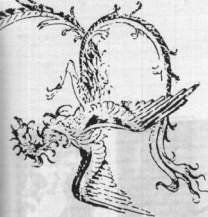
علیرغم توسعه امر خوشنویسی متأسفانه آنچنانکه باید و شاید هیچگونه کمکی به انجمن نشده است و از این جهت مورد بی‌مهری واقع شده هزینه این مدرسه بزرگ با بیش از ۱۰ میلیون تومان هم حل نمی‌شود درحالی که بوده‌جه سال گذشته انجمن ۱۶۰ هزار تومان بوده است و فی‌ال‌سلب برای تدارک و راه‌اندازی کنگره‌ای با آن جمعیت هیچگونه کمکی دریافت نشده است. به هر حال انجمن علیرغم این مشکلات رسالت خود را به پیش می‌برد و همچنانکه اینجانب در سفرنامه‌ی افتتاحیه دوسم کنگره اظهار داشتیم، تا کید می‌کنم و آرزو دارم کنگره‌ای داشته باشیم متشکل از سایر رشته‌های هنری و حتی جایزه‌های جهانی برای آن در نظر بگیریم. با آرزوی موفقیت برای همه دست‌اندرکاران امور هنری.

دانشکده‌های هنری است که این کار را نیز انجام می‌دهد اما طبیعی است اگر مرکز و دانشکده‌ای در کنار انجمن و با همکاری انجمن داشته باشیم مانند برخی کشورهای دیگر که رشته خط و خوشنویسی دارند می‌توان چنین کارهایی را انجام داد.

• راجع به مشکلات انجمن و مسائل دیگر با آن فرمائید؟
ما محاطی که می‌دانید خط و خوشنویسی بنا به ماهیت خود با ادب و معارف اسلامی و فرهنگ جامعه هم‌دوش و هم‌راستا بوده است و انجمن خوشنویسان سعی کرده این پیوند را که از دیرباز وجود داشته ادامه دهد. انجمن در سالهای اخیر نسبت به چاپ و انتشار آثار بزرگان در عبار بسیار بالا اقدام کرده است. اما متأسفانه به علت بحرانهای ناشی از کمبود کاغذ و فیلم و زینک و سایر مشکلات نتوانسته تیراژ مورد نظر را پدمت آورد. تیراژ ۵۰۰۰ نمی‌تواند حتی نیاز اعضای انجمن را برآورده

بود. بعد از ۳۰۰ سال کله‌ریک تحول جدیدی را پیشنهاد و مطرح کرد. در این صد سال اخیر عملاً طرح جدید را بیشتر پذیرفتند اما این سبک جدید اعتبار گذشته را به هم نمی‌زد. بعضی شیوه گذشته و برخی سبک جدید را می‌پسندند، کسانی هستند مانند خود من که متوسط هشتم یعنی بین میرعماد و کله‌ریک. در اصل رسیدن به آن حد کمال مطرح است. یک چشم بصیر هر کدام را که راحت‌تر بپذیرد مورد قبول واقع می‌شود ولی باید گفت در فضاشناسی و ترکیب و کرسی تغییراتی به وقع پیوسته است که نباید نقش میرعماد - میرزای کله‌ریک بعد شناخت و تأثیر اروپا را نادیده گرفت.

• راجع به گرایش خط و خوشنویسی به نوعی طراحی حروف که در موارد مصرفی به شکل نامطلوبی ارائه می‌شود و طراحی درست حروف الفبای نظری دارید؟
✓ اساس کار انجمن بر ادامه و تعلیم شیوه سنتی است ما استخوانبندی این رشته هستیم این وظیفه



گشاسب هم، پیش از ظهور زردشت و پیش از آن که از او دین پذیرد در خطبه ابتدای پادشاهی خود را چنین می‌شناساند:

منم گفست یزدان پرستنده شاه مرا ایزد پاک داد این کلاه^۱
لقا گاه به موارد مصلحتی نیز برمی‌خوریم که مؤنث گمان پیشین و نشان
دهنده دگرگونی های تئیسلی لسانه های حماسی است چنان که در
توصیف نگار و نگار لیوان و کتخ گشاسب چنین آمده است:

برو بره، نگاربرد جمشید را پرسشده مرماه و خورشید را
فریبدون اباگرزده گاو سار بفرموده کردن بر آتجا نگار
در حالی که در پادشاهی جمشید صراحت دارد که به فرمان جهان قرین
این مقام یافته و در پی تأمین آسایش و رفاه مردم است. در وندیداد نیز
جمشید نخستین کسی است که اهورمزدا با او سخن می‌گوید و به او
دین می‌آموزد.^۲

این قصه‌ها و تصاویر و نشانه‌ها می‌دهد که این مردم در مسیر تحول
فکری و دینی خود از مراحل خاصی گذشته‌اند و مستقیم یا غیرمستقیم
در معتقداتشان تأثیر کرده و پس از ثبات فکری و اعتقادی به صورت
سخت نامت‌ها باقی مانده است.

نگارنده یقین ندارد که بتوان تغییرات و تحولات دین ایرانی را از
مسیر شاهنامه و متون پهلوی پی‌گیری کرد و به نتیجه نسبتاً درست و
رضایت بخش رسید از این رو بی آن که در پی اثبات مطلبی خاص باشد
با بررسی برخی نشانه‌های بازمانده در داستان‌ها، احتمال می‌دهد که
این حالت در گذار از بعضی مراحل تئیسلی، از آن متأثر شده باشد و این
نشانه‌ها صورت تحول یافته و سبک شده آن گنن‌ها است.

نشانه‌هایی از گیش توتم:

عمومی‌ترین تعریفی که از توتم شده این است: «برخی از
موجودات یا اشیا تئیسلی است که تمام اعضای یک طایفه آن را مقدس و
غیرعادی تصور می‌کنند، اینها غالباً حیواناتی مانند کانگورو، گاموش،
عقاب، باز، طوطی، حشرات و گاهی گیاه‌ها مانند درخت چای و
به‌ندرت برخی از اشیاء مانند باران و دریا و برخی از ستارگان
می‌باشند»^۳.

میان توتم و افراد قبیله روابط نزدیک برقرار است زیرا به اعتقاد آنان
توتم، نای نخستین قبیله به‌شمار می‌رود و همچنین نگهداری قبیله
برعهده اوست، وظیفه دارد در مواقع سخت و بحرانی به کمک فرزندان

آگاهی ما از فرهنگ‌ها و تمدن‌های گذشته، معمولاً از دوره‌های
تاریخی فراتر نمی‌رود و افسانه‌ها و داستان‌های کهن نیز نمی‌تواند ما را
به یقینی که قانع کننده است برساند؛ بنابراین شگفت نیست که در طول
زندگی ملت‌ها، حتی در ابتدای زندگی اجتماعی آنها با آراء و عقایدی
برخورد کنیم که پیشرفته به نظر می‌آید، هر معلولی علمی منطقی دارد و
هر اعتقادی سببی موجه. این نه بدان جهت است که یک ملت مثلاً
پیش از دیگران از هوش و ذکاوت فطری بهره داشته و به جای پرستش
انواع و مقدس شمردن حیوان، گیاه و مظاهر طبیعی، فرضاً، از همان
ابتداء، خدای واحد را شناخته است بلکه این ملت هم، چون دیگران
مرحله به مرحله پیش رفته، به تدریج پشمش باز و تجربه‌هاش بیشتر شده
است اما، ما از آن دوره زندگی این ملت آگاهی نداریم یا اصولاً
دوره‌ای از زندگی آنها را ابتدای تاریخ می‌شناسیم که نسبت به
همزمانان خود، افکاری پیشرفته‌تر و تمدن و فرهنگی مشخص تر دارند.

زندگی قوم ایرانی نیز چنین است. ما آریاییان را آن گاه می‌شناسیم که
خدای بزرگ آسمان و زمین دارند و فرشتگان و دیوان هر یک نقشی
محدود در زندگی آنان بازی می‌کنند. گرچه گاه سخن از خدایان متعدد
است لذا چگونگی این خدایان مشخص نشده است و حتی چنین تصور
می‌رود که اعتقاد به خدایی یگانه غلبه دارد و آن دیگران در حقیقت
ایزدان و باوران اویند^۴

در کسب تاریخی و شاهنامه هم، نه تنها از این بابت صراحتی
نیست بلکه در بسیاری موارد پیدا است که تنظیم کنندگان خدایانها و
به پیروی آنها، گردآورندگان شاهنامه اوستاوری در هنگام گردآوری
داستان‌ها برکنار از تأثیر سنت‌های زرتشتی و اسلامی نبوده‌اند. آنگاه
اگرچه کیومرث اولین انسان یا اولین پادشاه است که پلنگینه می‌پوشد و
در کوک خانه دارد اما به خداوند یکتا معتقد است و حتی اسم اعظم او را
می‌داند زیرا آنگاه که از خدا می‌خواهد تا او را برکشندگان پسرش
پیروزی دهد، نیاپش او چنین است:

کسی نامو، سر سوئی آسمان برآورد و بد خواست بر بد گمان
بدان برترین نام بزدانش را بخواند و پهلود مزگانیش را^۵

سپاسک نیز خود را برگزیده یزدان می‌شمارد و به فرمان اوست که بر
هفت کشور پادشاهی یافته است:

که بر هفت کشور منم پادشا به هر جای پیروز فرمانروا
به فرمان یزدان پیروزگر به داد و دهش تنگ بسته کمر^۶